



بحران آفرینی جمهوری اسلامی در عراق

با حمله پهبادی گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی ایران به اقامتگاه نخست‌وزیر عراق، دور جدیدی از بحران آفرینی جمهوری اسلامی در عراق آغاز شده است.

از هنگامی که کشور عراق توسط امپریالیسم آمریکا اشغال گردید و گروه‌های مرتجع اسلام‌گرا و قوم‌گرا تحت حمایت نیروی اشغالگر به قدرت حاکم بر عراق تبدیل شدند، مردم این کشور لحظه‌ای آرامش نداشته‌اند. یکی از عواقب اشغال نظامی عراق و به قدرت رساندن اسلام‌گرایان توسط امپریالیسم آمریکا، نقش و نفوذی است که جمهوری اسلامی ایران از طریق گروه‌های اسلام‌گرای شیعه، به‌ویژه از طریق سازمان‌دهی گروه‌های شبه‌نظامی در این کشور به دست آورده است. این گروه‌های شبه‌نظامی، تحت اتوریته سپاه قدس عمل می‌کنند و پیش برنده سیاست جمهوری اسلامی در عراق‌اند. علاوه بر این که گروه‌های مسلح به همراه سازمان‌های سیاسی اسلام‌گرای شیعه کوشیده‌اند، تأمین‌کننده منافع و سیاست جمهوری اسلامی در عراق باشند، یکی از وظایف گروه‌های شبه‌نظامی، ترور و کشتار مردم عراق بوده است که به مخالفت با سیستم سیاسی حاکم و باندهای دزد و فاسد آن برخاسته‌اند. همین گروه‌های شبه‌نظامی هستند که در جریان جنبش سراسری مردم عراق موسوم به انقلاب تشرین علیه نظم ارتجاعی حاکم بر این کشور و مداخلات جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۸، به همراه نیروهای امنیتی، متجاوز از ۶۰۰ تن از مردم عراق، به‌ویژه فعالان سیاسی مخالف را به قتل رساندند. این وحشی‌گری شبه‌نظامیان اسلام‌گرا و مداخلات روزافزون جمهوری اسلامی، چنان خشم و نفرت مردم عراق را برانگیخت که در چند شهر کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند. این جنبش گسترده که چندین ماه به طول انجامید، منجر به سقوط کابینه عادل عبدالمهدی گردید. باندهای فاسد حاکم بر عراق برای نجات خود از بحرانی که این کشور را فراگرفته بود، یک انتخابات زود هنگام برپا ساختند تا شاید بر این بحران غلبه کنند. اما به‌رغم این که در نتیجه سرکوب و کشتار وحشیانه مردم، انقلاب تشرین به نتیجه نرسید و جنبش فروکش کرد، اما بحران سیاسی همچنان لاینحل ماند. لذا انتخابات اخیر هم نتنها مشکلی را حل نکرد، بلکه تبدیل به بحران دیگری در این کشور گردید.

نخست این که با این انتخابات، اکثریت بزرگ مردم مخالف نظم حاکم که می‌دانستند با انتخابات،

در صفحه ۲

غارت سفره‌های محقر مردم برای تامین نیازهای مالی حکومت اسلامی

۴۲۰۰ تومانی کالا‌های اساسی و فروش دلارهای کالا‌های اساسی با قیمت بازار (صرافی‌ها)، برای جبران بخشی از بحران مالی جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی البته برای فریب مردم وعده داده است که با اجرای این طرح یارانه نقدی ۶۰ میلیون نفر را در چهارماه آخر سال از ۴۵ هزار تومان به ۱۱۰ هزار تومان افزایش دهد. مردم ایران اما تجربه حذف یارانه‌ها تحت عنوان در صفحه ۳

پس از چند هفته زمین‌چینی برای حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی کالا‌های اساسی، بالاخره ابراهیم رئیسی چهارشنبه ۱۹ آبان طی نامه‌ای به قالیباف لایحه‌ی موسوم به "تامین مطمئن کالا‌های اساسی، نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و سیاست‌های جبرانی برای حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر" را با دو ماده و یک تبصره که در هیات وزیران به تصویب رسیده بود، به مجلس اسلامی برای تصویب نهایی ارائه کرد. لایحه‌ای که گام اول حذف کامل دلار

تلاش بی‌ثمر رژیم برای جلوگیری از وقوع انقلاب

سرداران و رزمندگان در مسند استانداری‌های کشور، تقاضای مردم و مجلس بود "گمردن نظامیان و فرماندهان سپاه در مراکز و پست‌های حساس و در سطح وزیر و امثال آن امر بی‌سابقه‌ای نیست. در گذشته نیز هم در دوره احمدی‌نژاد و هم در دوره حسن روحانی، نظامیان و فرماندهان سپاه، حضور و جایگاه مهمی در نهادهای دولتی، در کابینه و در مجلس داشته‌اند و از پست‌های مهم و حساسی برخوردار بوده‌اند و همواره نقش تکمیلی مهمی در سرکوب در صفحه ۸

با آغاز ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی و سپرده شدن وزارت کشور به یکی از فرماندهان سپاه پاسداران، میزان حضور و دخالت سپاه در نهادهای دولتی به‌ویژه در قوه اجرایی به نحو چشمگیری افزایش یافته است. احمد وحیدی وزیر کشور ابراهیم رئیسی تاکنون چندین تن از فرماندهان سپاه را در استان‌های مختلف به‌عنوان استاندار تعیین نموده و در ادامه همین اقدامات، روز ۱۷ آبان "سردار شامچراغی" را به‌عنوان استاندار قم منصوب کرد. وزیر کشور در توجیه انتصاب نظامیان در استانداری‌ها گفت: "حضور

از "دختران خیابان انقلاب" تا "دختران سردر دانشگاه تهران"

معروف دانشگاه تهران ایستاده و عکس یادگاری گرفته‌اند. در این عکس، بجز یک نفر، بقیه دختران کشف حجاب کرده و بدون روسری با چهره‌هایی شاداب در کنار هم به ردیف ایستاده‌اند. این عکس اولین بار روز یکشنبه ۱۵ آبان توسط سایت امنیتی "انصاف نیوز" منتشر شد. این سایت اقدام دانشجویان را تحت عنوان "کشف حجاب" تیترو زد و در گزارش خود با انتشار واکنش‌های منفی و غضب‌آلود برخی از در صفحه ۵

هفته گذشته انتشار تصویری از پانزده دانشجوی دختر فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران به شکل گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت. آنچه باعث دست به دست شدن این تصویر در فضای مجازی و برافروختن خشم نیروهای مدافع حجاب اسلامی در جامعه شد، همانا "کشف حجاب" جمعی تعدادی از دانشجویان فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران بود. تصویر دانشجویانی که با لباس یکسان فارغ‌التحصیلی - روپوش مشکی و یقه قرمز رنگ - در مقابل سردر

جمهوری اسلامی نمی‌تواند با سلاح سرکوب

اعتراضات معلمان شاغل و بازنشسته را درهم بشکند

۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

بحران آفرینی جمهوری اسلامی در عراق

تغییری در سیستم سیاسی سرتاپا فاسد که در آن قدرت سیاسی به‌حسب مذهب و ملیت و قومیت میان باندها تقسیم‌شده است، رخ نخواهد داد، آن را تحریم کردند و حدود ۶۰ درصد از واجدین حق رأی در این انتخابات شرکت نکردند. این بایکوت گسترده، ضربه دیگری به دارو دسته‌های حاکم وارد آورد و نشان داد که گروه‌های حاکم بر عراق چیزی جز یک اقلیت ناچیز اسلام‌گرا و قوم‌گرای منفور در میان مردم عراق نیستند. ثانیاً این به‌اصطلاح انتخابات، شکاف‌های درون گروه‌های حاکم را عمیق‌تر کرد. نفرت مردم عراق از جمهوری اسلامی و گروه‌های وابسته به آن به درجه‌ای است که حتی اقلیتی از مردم عراق که در انتخابات شرکت کردند، به گروه‌های شبه‌نظامی مزدور وابسته به جمهوری اسلامی که زیر چتر ائتلاف الفتح متشکل شده بودند، رأی ندادند. در نتیجه، این گروه‌ها نزدیک به دوسوم آراء خود را نسبت به انتخابات پیشین از دست دادند و تنها ۱۷ کرسی به دست آوردند. آرای تعداد دیگری از گروه‌های اسلام‌گرای شیعه نیز به‌شدت کاهش یافت. تنها یک گروه، گروه اسلام‌گرای مقتدا صدر که شعار خود را مخالفت با هرگونه دخالت کشورهای خارجی در عراق قرار داده بود، بیشترین آراء را با ۷۳ نماینده به دست آورد. شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری امثال حشدالشعبی و «عصائب اهل الحق» که تابع هیچ قانون و انتخاباتی نیستند، نتیجه انتخابات را با این ادعا که تقلب شده نپذیرفتند و «هادی العامری» رئیس ائتلاف الفتح پس از اعلام نتیجه انتخابات، بیانیهای صادر و تأکید کرد: «به هر قیمتی که شده، ما این نتایج ساختگی را نمی‌پذیریم و از آرای نامزدهای خود و رأی‌دهندگانمان با تمام قدرت دفاع خواهیم کرد». نخستین واکنش عملی این گروه نیز برپائی تظاهرات در اطراف منطقه سبز و تلاش برای ورود به این منطقه حفاظت‌شده بود که به درگیری با نیروهای امنیتی و کشته شدن دو نفر انجامید. پی آمد بعدی آن روی‌آوری گروه‌های مسلح شبه‌نظامی به اقدامات نظامی از طریق حمله پهبادی به محل سکونت نخست‌وزیر عراق بود. گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی برای جبران شکست خود، سه پهباد انفجاری را برای کشتن نخست‌وزیر عراق به پرواز درآوردند که دوتای آن‌ها توسط ارتش عراق نابود شد، اما پهباد سوم به اقامتگاه الکاظمی اصابت کرد، اما وی از این حمله جان سالم به در برد.

مصطفی‌الکاظمی نخست‌وزیر عراق در واکنش به این حمله تروریستی به اقامتگاه خود گفت: "کسانی که جنایت دیروز را مرتکب شدند به‌خوبی می‌شناسیم و آن‌ها را تعقیب و رسوا خواهیم کرد. آن‌ها کسانی هستند که در تلاش‌اند امنیت عراق را به هم بزنند و می‌خواهند این کشور را به کشور باندها تبدیل کنند اما ما می‌خواهیم کشور را بسازیم".

نخست‌وزیر عراق البته کتمان کرد که از مدت‌ها پیش، باندهای مذهبی، قومی و طایفه‌ای هستند که

بر عراق حکومت می‌کنند. مگر این گروه‌های رنگارنگ اسلام‌گرا و قوم‌گرا که هرکدامشان دشمن به یک قدرت خارجی نیز وصل است و کارشان چپاول و غارت کشور و سهم‌بری از درآمدهای نفتی است، چیز دیگری جز باندهای مافیائی هستند؟ بر مردم عراق پوشیده نیست که آن‌ها جز یکمشت باندهای مافیائی مسلح و غیرمسلح برای غارت و چپاول کشور نیستند. در طول ۱۸ سالی که آن‌ها بر عراق حکومت می‌کنند، میلیاردها درآمد حاصل از فروش نفت را به جیب زدند و آنچه برای توده‌های مردم عراق برجای گذاشته‌اند، فقر اکثریت بزرگ مردم، میلیون‌ها بیکار، محرومیت مردم حتی از داشتن ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی و خدمات عمومی بوده است.

نخست‌وزیر عراق در این موضع‌گیری خود، حتی جرئت نکرد نام این گروه‌هایی که قصد ترور وی را داشتند، بیورد. دلیل آن‌هم پوشیده نیست. او نه می‌خواهد و نه قدرت آن را دارد که وارد درگیری با این گروه‌ها که جمهوری اسلامی آن‌ها را رهبری می‌کند بشود. البته وی نیروی نظامی و تانک‌های ارتش عراق را به خیابان‌های بغداد آورد، اما لشکرکشی وی چیزی جز یک حرکت نمایشی نبود.

اقدام نظامی گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی علیه نخست‌وزیر این کشور، حامل این پیام سیاسی بود که قدرت نه از صندوق رأی بلکه از لوله تفنگ بیرون می‌آید. این پیامی نه‌مفقط برای گروه‌های رقیب که بیشترین آراء را به دست آوردند، بلکه پیامی از طرف جمهوری اسلامی برای مردم عراق نیز بود که قصد عقب‌نشینی از دخالت و بحران‌آفرینی در عراق را ندارد. هدف سیاسی جمهوری اسلامی که پشت این اقدامات نظامی قرار دارد، این است که در عراق نیز همانند لبنان، مستقل از خواست مردم این کشور، گروه‌های مسلح وابسته به جمهوری اسلامی همواره بخشی ثابت از قدرت سیاسی باقی بمانند. این تلاش جمهوری اسلامی سرمنشأ یک کشمکش و بحران دائمی میان گروه‌های رقیب در عراق خواهد شد که حتی در شرایطی نظیر لبنان می‌تواند تا مرحله جنگ داخلی نیز پیش برود.

تحت چنین شرایطی هیچ چشم‌اندازی برای نجات عراق از بحرانی که در آن گرفتار است، وجود ندارد. این بحران تنها در شرایطی می‌تواند حل شود که یا مردم عراق برای سرنگونی تمام باندهای حاکم به پا خیزند و به جنبشی گسترده‌تر از انقلاب تشرین شکل دهند و بساط باندهای حاکم و نیروهای مسلح آن‌ها را برچینند، یا مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی اقدام کنند و مردم کشورهای منطقه خاورمیانه، از جمله عراق را از شر بحران‌آفرینی، جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی نجات دهند. تا زمانی که این اتفاقات رخ ندهد، نه عراق از بحران‌های پی‌درپی نجات خواهد یافت و نه مردم عراق از سلطه باندهای حاکم و سیستم سیاسی فاسد رهایی خواهند یافت.

کمک‌های مالی

سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (اکتبر)
۲۰۰ کرون	خروش (اکتبر)

سوئد

۲۰۰ کرون	زندانی سیاسی آزاد باید گردد
۲۰۰ کرون	به فعالین کمونیست نان، کار، آزادی-حکومت شورائی

آمریکا

۲۰ دلار	لس‌آنجلس
۲۰ دلار	شیکاگو
۲۰ دلار	اکلاهما سیتی
۲۰ دلار	نیویورک
۲۰ دلار	سیاتل

آلمان

۱۰۰ یورو	زنده باد دموکراسی شورایی
----------	--------------------------

کانادا

۳۰ یورو	رفیق خیراله حسنوند
---------	--------------------

ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

کنفرانس ۱۸

۵۰ یورو	داوود مدائن
۵۵۰ یورو	س



غارت سفره‌های محقر مردم برای تامین نیازهای مالی حکومت اسلامی

"هدفمندسازی یارانه‌ها" و گران شدن بنزین در آبان ۹۸ را به‌خوبی به یاد دارند و فریب نخواهند خورد. عموم مردم ایران می‌دانند که هدف از این کار تنها جبران بخشی از نیازهای مالی حکومت است و برای کارگران و زحمتکشان نتیجه‌ای جز کوچکتر شدن سفره‌های‌شان در اثر افزایش تورم نخواهد داشت.

مشکل کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان ایران میزان افزایش یارانه نیست، خواست آن‌ها دستمزد و حقوقی بالاتر از خط فقر است، خواست آن‌ها پرداخت بیمه بیکاری به تمامی بیکاران به میزانی است که تمامی هزینه‌های یک خانوار را تامین کند، آن هم نه برای چند ماه، بلکه مادام که بیکار هستند باید از این مستمری برخوردار باشند. با یک حساب و کتاب ساده می‌توان به حیل‌های حاکمان شاید بیشتر پی برد.

ابتدا باید تاکید کرد که حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی از دوران کابینه‌ی روحانی کلید خورده بود و بخش مهمی از کالاهای اساسی مانند برنج و روغن از سال ۹۸ رفته رفته از لیست کالاهای اساسی که دلار ۴۲۰۰ تومانی به آن‌ها تعلق می‌گرفت حذف شده بودند. همچنین با تعیین بودجه ناچیز برای تامین کالاهای اساسی، عملاً بخشی از همان کالاهای اساسی به دلیل کمبود، با دلار آزاد وارد می‌شدند که برای نمونه می‌توان به نهاده‌های دامی اشاره کرد. در سال ۹۷ برای واردات کالاهای اساسی با نرخ دلار ۴۲۰۰ تومان ۱۸ میلیارد دلار تخصیص داده شد. در سال ۹۸ این رقم به ۱۴ میلیارد دلار کاهش یافت. در سال ۹۹ به بهانه‌ی تحریم تنها ۸ میلیارد دلار به واردات این کالاها اختصاص داده شد و در بودجه سال جاری نیز همان مبلغ ۸ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی در نظر گرفته شده بود.

کاهش میزان دلار ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی در حالی است که براساس تمامی برآوردها، نیازهای داخلی برای کالاهای اساسی در حال افزایش است. روزنامه تعادل در ۱۷ مهر سال ۹۴ به گزارش "گروه تحقیقات و سیاست‌های بازرگانی داخلی و تنظیم بازار" پرداخته و نوشته بود که براساس این گزارش میانگین واردات سالانه مجموع کالاهای اساسی طی

سال‌های ۹۴ تا ۱۴۰۴ نسبت به میانگین ده سال گذشته ۹ درصد افزایش خواهد داشت. براساس این گزارش میزان واردات کالاهای اساسی از حدود ۱۴۵۶۸ هزار تن در سال ۹۴ به ۱۶۵۷۶ هزار تن در سال ۱۴۰۴ خواهد رسید.

معنای گزارش فوق این است که جمهوری اسلامی می‌بایست برای تامین کالاهای اساسی سالانه ارزش بیشتری اختصاص می‌داد و برای نمونه اگر در سال ۹۷ برای تامین کالاهای اساسی براساس گزارش بانک مرکزی ۱۸ میلیارد دلار اختصاص داده شده بود، بدون تردید این رقم می‌بایست با توجه به افزایش نیاز و نیز افزایش بهای کالاهای خوراکی در سطح جهان به حداقل ۲۰ میلیارد دلار برسد. به‌گفته‌ی جعفر قادری عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس اسلامی: "طبق آخرین به‌روزرسانی‌ها مشخص شده است که حدود ۱۸ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی در قالب ارز ۴۲۰۰ تومانی نیاز داریم" (سایت خبرآنلاین ۱۵ آبان). هادی قوامی معاون پارلمانی وزیر اقتصاد نیز در رابطه با نیاز دلاری کالاهای اساسی گفت: "امسال ۸ میلیارد دلار برای دارو و نهاده‌های دامی ارز ۴۲۰۰ تومانی در بودجه اختصاص داده شده بود که در شش ماهه اول مصرف شده است و تا پایان سال به ۱۷ میلیارد دلار دیگر نیاز داریم" (روزنامه تعادل ۶ آبان). سخنان میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه در مجلس اسلامی روشن‌ترین مثال این موضوع است. وی با بیان معضل خشکسالی و کاهش تولیدات کشاورزی و نیز افزایش بهای جهانی این کالاها گفت: "اگر بخواهیم مأموریتی که در بودجه به میزان ۸ میلیارد دلار دیده شده را انجام دهیم، به حدود ۱۸ میلیارد دلار ارز نیاز داریم که برای دولت امکان‌پذیر نبوده است".

حال اگر همان ۲۰ میلیارد دلار را برای واردات کالاهای اساسی در طول یک سال در نظر بگیریم، ببینیم که تفاوت ریالی فروش ۲۰ میلیارد دلار نرخ آزاد (صرافی) با دلار ۴۲۰۰ تومانی چقدر می‌شود؟

هم اکنون صرافی‌ها دلار را نزدیک به ۲۹ هزار تومان می‌فروشند. با توجه به واقعیات اقتصادی گذر دلار از ۳۰ هزار تومان بسیار

منطقی به نظر می‌آید. برای یک حساب ساده تفاوت دلار ۴۲۰۰ تومانی با دلار آزاد را ۲۵ هزار تومان در نظر می‌گیریم.

با این حساب تفاوت ریالی ۲۰ میلیارد دلار برابر است با ۵۰۰ هزار میلیارد تومان!! حال این را هم در نظر بگیریم که هم بهای دلار سالانه نسبت به ریال افزایش می‌یابد و هم نیاز به کالاهای اساسی. بنابراین ۵۰۰ هزار میلیارد تومان حداقل است و هر سال به این مبلغ باید اضافه می‌شد.

حال می‌خواهند به ۶۰ میلیون نفر ماهانه ۶۵ هزار تومان یارانه بیشتر بدهند که در سال می‌شود ۴۶ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان!!! در یک کلام ۵۰۰ هزار میلیارد تومان را از جیب مردم با فروش دلار به نرخ آزاد و در نتیجه گران شدن کالاهای اساسی می‌زدند و بعد ۴۶ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان از این مبلغ را آن هم با منت به مردم برمی‌گردانند!!! این را هم در نظر بگیریم که بهای کالاهای اساسی برای خانواده‌های کارگری و دیگر زحمتکشان جامعه بسیار مهم است و در واقع حداقل ۹۰ درصد این ۵۰۰ هزار میلیارد تومان از سفره همان کارگران و زحمتکشان زدییده می‌شود!! این نقشه‌ای است که رژیم جمهوری اسلامی با همدستی کابینه و مجلس برای بودجه سال آینده می‌خواهند به اجرا درآورند و نامه اخیر رئیسی به قالیباف در واقع مقدمه‌ی آن است. جدا از آن که بالا بردن بهای بنزین و دیگر حامل‌های انرژی نیز از دیگر موضوعاتی است که جمهوری اسلامی بدنبال اجرای آن در بودجه سال آینده است.

جدا از کسری بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی سال جاری (به‌گفته‌ی مقامات دولتی)، به اعتراف خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران بدهی دولت بابت فروش اوراق قرضه که سررسید آن‌ها تا سال ۱۴۰۵ است به ۵۳۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. همچنین از خرداد ۹۲ تا خرداد ۱۴۰۰ بدهی دولت به سیستم بانکی ۵۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و صدها هزار میلیارد تومان نیز به تامین اجتماعی بدهی دارد. بدهی به پیمانکاران نیز بخش دیگری از بدهی‌های دولت است که به اعتراف این خبرگزاری تنها بدهی وزارت نیرو به پیمانکاران به ۵۳ هزار میلیارد تومان رسیده است!

تعیین دستوری قیمت ۲۵ کالا از جمله مرغ، تخم‌مرغ، شیر، ماست، برنج و نان یک نمونه از همین تلاش‌هاست. این سیاست که بویژه در دوره زمامداری حسن روحانی

غارت سفره‌های محقر مردم برای تامین نیازهای مالی حکومت اسلامی

پیگیری می‌شد در عمل نشان داد که یا باید به تعطیلی واحدهای تولیدی منجر گردد (مانند مرغداری‌ها و دامپروری‌ها) یا این که این قیمت‌ها تنها بر روی کاغذ بماند یا این که از نمونه کارگران خباز، از دستمزد کارگران زده شود.

واقعیت این است که با این روش‌ها نمی‌توان مانع افزایش بهای کالاها شد. برای نمونه به‌رغم دستور ابراهیم رئیسی برای لغو افزایش بهای خودروها، بهای خودروها در بازار آزاد همچنان در حال افزایش است. یعنی تنها اثر "دستور" رئیسی، افزایش تفاوت قیمت فروش کارخانه با بازار است که سود آن نیز به جیب دلالتان می‌رود که مثلاً کابینه قرار است با آن‌ها مقابله کند!! به‌اعتراف هادی قوامی معاون پارلمانی وزیر اقتصاد، جمهوری اسلامی به نقطه‌ای رسیده است که باید در مورد حذف یا ابقای ارز ۴۲۰۰ تومانی تصمیم بگیرد (خبرگزاری تسنیم ۵ آبان).

بنابراین روشن است که هدف این سیاست کسب درآمد برای جمهوری اسلامی و نتیجه‌ی آن که البته در حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی محدود نخواهد ماند و افزایش بهای حامل‌های انرژی نیز در بودجه سال آینده کلید خواهد خورد، جز تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی و گسترش فقر دردناکی که هم اکنون نیز بخش بسیار بزرگی از مردم را در خود غرق کرده، نخواهد بود. فقر دردناکی که به اعتراف سعیدی نماینده مجلس اسلامی مردم حتماً از تهیه نان و تخم‌مرغ برای سفره‌هایشان در مانده‌اند و نان و لوبیا به غذای لاکچری تبدیل شده است، فقر دردناکی که باعث ترک تحصیل میلیون‌ها کودک شده است، فقری که چهره‌ی غمناک مادران و پدران و کودکان و سفره‌های خالی از نان گواه آن هستند.

به‌نوشته‌ی روزنامه تعادل، برخی از کارشناسان (وابسته به حکومت) معتقدند که در صورت حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی بهای مرغ به ۷۲ هزار تومان خواهد رسید. به‌گفته‌ی ارسلان طاهری (خبرگزاری تسنیم ۵ آبان) طبق آمار بانک مرکزی شاخص تورم کالاهایی که ارز ۴۲۰۰ تومانی گرفته‌اند از سال ۹۷ تاکنون ۱۹۹ درصد و شاخص تورم سایر کالاها ۴۳۳ درصد بوده است که در صورت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی بهای این کالاها نیز به‌شدت افزایش خواهند یافت و ناگفته نماند که افزایش بهای این کالاها به افزایش بهای سایر کالاها به صورت دومینووار منجر خواهد شد و این

موضوعی است که حتماً اقتصاددانان حکومتی نیز به آن اعتراف می‌کنند. راغفر یکی از این اقتصاددانان است که در جلسه ابراهیم رئیسی با "اقتصاددانان" در روز سه‌شنبه ۱۹ آبان حضور داشته و می‌گوید: "دولت سیزدهم هر چند وعده کاهش قیمت‌ها را داده اما در عمل تصمیماتی می‌گیرد که باعث رشد تورم می‌شود. قطعاً حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی تورم‌زا است".

مرتضی افقه رئیس گروه اقتصاد دانشگاه "چمران" اهواز نیز در همین رابطه به سایت "فرارو" می‌گوید: "اگر قرار باشد که قیمت‌ها با افزایش روبرو باشد، اما در مقابل به ۶۰ میلیون نفر از جمعیت، نفری ۱۱۰ هزار تومان یارانه داده شود، این مبلغ یارانه با توجه به سرعت تورم در کوتاه‌ترین زمان ممکن ارزش خود را از دست می‌دهد، اما آن چیزی که برای مردم باقی می‌ماند تورم فزاینده است که روز به روز آن‌ها را به سوی فقر مطلق نزدیکتر می‌کند". او با بیان این‌که با آزادسازی قیمت‌ها با "ابرتورم" روبرو خواهیم شد، گفت: "از گوشه و کنار افزایش دوباره قیمت بنزین شنیده می‌شود، هرچند که این موضوع دائماً تکذیب شده، اما در دفعه قبل نیز اول این اخبار منتشر شد و بعد بنزین را گران کردند، حال اینکه دولت خواهد حامل‌های انرژی را اصلاح کند، وضعیت اقتصادی بسیار وخیم خواهد شد". در روزهای گذشته برخی از رسانه‌ها و سایت‌های خبری از طرح گروهی از نمایندگان مجلس برای افزایش بهای بنزین و دیگر حامل‌های انرژی خبر دادند که قرار

است در جریان بررسی بودجه سال آینده مطرح شود.

برای جمهوری اسلامی، حکومت دزدان و فاسدان، حکومت سرمایه‌داران و استثمارگران، فقر و دردهای مردم اهمیتی ندارد، برای این حکومت آنچه اهمیت دارد بقا و ادامه چپاول است، حتماً اگر دیگر تکه نانی بر سر سفره‌های مردم نباشد. اگر روحانی سال گذشته با دستکاری در بورس صدها هزار میلیارد تومان پول مردم را به جیب زد، ابراهیم رئیسی هم می‌خواهد با حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی صدها هزار میلیارد تومان به جیب بزند. البته این کابینه به همین نیز قانع نیست، این کابینه سعی دارد به‌رغم تورم سرسام‌آور که حتماً نرخ رسمی آن ۴۶ درصد است، حقوق و دستمزدها را تنها ده درصد افزایش دهد، این کابینه می‌خواهد همچنین بهای حامل‌های انرژی را افزایش دهد، این کابینه هارتر از هر کابینه‌ی دیگری می‌خواهد به بهای گرسنه نگاه داشتن کودکان و بی‌سرپناه ساختن آن‌ها پول به جیب بزند. اما بدون تردید برای مردم ستمدیده‌ی ایران این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست و شرایط کنونی حاکم بر جامعه گواه آن است که جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. این که مجلس اسلامی از سر ترس با دو فوریت و حتماً یک فوریت بررسی طرح کابینه رئیسی مخالفت کرد تا سروصداها بخوابد، آن هم مجلسی که خود را گوش به فرمان خامنه‌ای می‌داند، نشانه‌ی عمق بحرانی‌ست که جمهوری اسلامی در آن دست و پا می‌زند و به اصطلاح یک‌دستی مجلس و کابینه نیز کمکی به آن نخواهد کرد. برای مردم ستمدیده‌ی ایران تنها یک راه واقعی برای پایان دادن به این شرایط وجود دارد: انقلاب و برپایی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان.



از "دختران خیابان انقلاب" تا "دختران سردر دانشگاه تهران"

کاربران توییتری که جملگی از حامیان جمهوری اسلامی و مدافعان تحمیل حجاب اجباری به زنان هستند، نسبت به این اقدام دختران دانشجو واکنش نشان داد.

انتشار عکس دانشجویان "کشف حجاب" کرده و سرعت چرخش آن در شبکه های اجتماعی، همانند آبی که در خوابگاه مورچگان ریخته باشند، خشم حکومتیان و طرفداران حجاب اسلامی را برانگیخت. سایت امنیتی "انصاف نیوز"، از جمله سایت هایی بود که با رویکردی امنیتی اقدام به درج پاره ای از واکنش های خشم آلود کاربران اجتماعی مدافع حجاب اسلامی کرد و با این اقدام خود به ایجاد یک فضای امنیتی علیه دختران دانشجو دامن زد. یکی فریاد بر کشید: "مسئولان امنیتی! نهاد دانشگاه! کجایی؟ پرده دری تا کجا باید اتفاق بیفته تا شما کمی دردتون بگیره؟" آن دیگری با توسل به طناب پوسیده نفوذی ها بانگ برآورد: "نفوذی ها این بار قراره چه غلطی بکنن که دارن سوژه سازی میکنن برای انحراف افکار عمومی؟" دانشجویی محببه ای از جیره خواران جمهوری اسلامی در توییترش نوشت: "تنگ بر اساتید و دانشکده هایی که به جای تربیت انسان تراز انقلاب، موجب فساد فکری و اخلاقی می شوند". کسانی هم از این همه فراتر رفته و با ماسک دفاع از تمدن و هویت "ملی" ایرانیان، این اقدام دانشجویان را "برنامه های دشمنان برای زمین زدن تمدن ۷ هزار ساله ایران" و "از بین رفتن حیا و عفت زنان و دختران" دانستند.

فردای انتشار عکس دانشجویان "کشف حجاب" کرده، پانزده دختر حزب اللهی، با چادرهای مشکی، روسری و ماسک قرمز در همان نقطه، مقابل سردر دانشگاه تهران به صف ایستادند تا تصویر خود را به جای تصویر زنان "بی حجاب" بنشانند، زنان دانشجویی که به زعم آنان نمای دانشگاه تهران را "مخدوش" کرده اند. وقتی فریاد وا اسلاما از هر طرف بلند شد، شهردار تهران نیز وارد میدان شد. علیرضا زاکانی برای جلوگیری از تکرار چنین رویکردی توسط دیگر دانشجویان دختر، در اقدامی "عاجل" جلوی دانشگاه تهران را با پارچه ای سبز پرده کشی کرد و با این اقدام خود به جای دختران "کشف حجاب" کرده بر سردر دانشگاه تهران حجاب کشید.

در فضای ایدئولوژیک ارتجاع حاکم بر ایران، اقدام شجاعانه دانشجویان دختر فارغ التحصیل دانشگاه تهران، آنچنان برجسته و چشمگیر شد، که عبدالله گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان - وابسته به سپاه پاسداران- برای بی اثر کردن این حرکت جمعی "دختران سردر دانشگاه تهران" اساسا منکر ایرانی بودن این دانشجویان شد و آنان را تعدادی دانشجوی خارجی معرفی کرد.

در این میان البته، آن دسته از نظریه پردازان مدافع جمهوری اسلامی که عموما از منظر "منافع ملی" نسبت به هرگونه حرکت اعتراضی در جامعه واکنش نشان می دهند، اینبار با استناد به اینکه اینگونه اقدامات زنان، جامعه را به سمت "دوقطبی" و "جنگ خیابانی" می کشاند، به ضدیت با حق آزادی زنان در انتخاب پوشش برخاسته و خشم خود را نسبت به "کشف حجاب" دانشجویان این چنین بروز دادند: "کاش زنان و دختران ایران، چه آن ها که پوششی شبیه دختران عکس بالایی دارند، [تصویر جمعی و بی حجاب دختران فارغ التحصیل در مقابل سردر دانشگاه تهران] و چه آن ها که شبیه عکس پایینی هستند، [تصویر جمعی دختران حزب اللهی، محببه و چادر سیاه در مقابل سردر دانشگاه تهران] فریب این صف آرایی ها و تقابل ها و دوقطبی های کاذب را نخورند. این مسیر انحرافی، فرجامی جز جنگ خیابانی و فروپاشی جامعه ایرانی ندارد". عجب! این نظریه پردازان مزدور جمهوری اسلامی انگار تازه از کره مریخ به ایران پا گذاشته اند که تا این حد از "جنگ خیابانی" تمام عیاری که رژیم طی ۴۲ سال گذشته علیه زنان به راه انداخته است، بی خبر بوده اند.

اکنون همه کسانی که اندک شناختی از ماهیت سرکوبگرانه و ضد زن بودن جمهوری اسلامی دارند، بر این امر واقفند که بیش از چهار دهه است نیروهای پلیس و گشت ارشاد و عناصر "آتش به اختیار" رژیم در قالب یک "جنگ خیابانی" علنی و عریان، سرکوب همه جانبه زنان کشور را در برنامه های امنیتی خود داشته اند. چهل و دو سال است که گله های حزب اللهی به بهانه بدحجابی در کوچه و خیابان به چهره زنان تیغ کشیده اند، به صورت شان اسید پاشیده اند، فضای مدرسه و دانشگاه را بر آنان تنگ کرده اند، راه نفس کشیدن آزادانه آنان را در پارک ها و مکان های تفریحی بسته اند. در تمامی این سال ها، زنان ایران وقت و بی وقت و به بهانه های مختلف در خانه و کوچه و خیابان اذیت و آزار دیده اند، توهین و تحقیر شنیده اند و سال از پی سال با سرکوب و ضرب و شتم پلیس و گشت ارشاد مواجه بوده اند. اگر این اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی طی ۴۲ سال گذشته اعلام یک "جنگ خیابانی" اشکار علیه زنان جامعه نبوده است، پس چه نامی باید بر آن گذاشت؟ طی این سال ها، زنان بسیاری زندان و شکنجه و اعدام شده اند. بسیاری از آنان به جرم دفاع از آزادی و حق انتخاب پوشش با تهدید و ارباب مداوم نیروهای امنیتی و گله های حزب اللهی مواجه بوده اند. بسیاری مورد سرکوب و تجاوز و تحقیر واقع شده اند و تعداد زیادی از آنان، هم اینک به جرم دفاع از حقوق

مسلم خود به زندان و حبس محکوم شده اند. این نظریه پردازان و مدافعان حجاب اسلامی که اینک نگران "دوقطبی" شدن جامعه هستند، طی این سال ها که جمهوری اسلامی به طور علنی در مقابل زنان صف آرایی کرده است در کدام گوری بودند، که اکنون با این اقدام متهورانه دختران دانشجو اینگونه برآشفته شده اند و با نگرانی نسبت به صف آرایی و بروز "جنگ خیابانی" میان اقلیت زنان مزدور حزب اللهی با اکثریت مطلق زنان مدافع آزادی و حق انتخاب پوشش، هشدار می دهند؟

طی ۴۲ سال گذشته، اگرچه زنان ایران در مقابل تحمیل حجاب اجباری سکوت نکردند و در تمامی این سال ها با چنگ و دندان از آزادی پوشش و برابری حق و حقوق فردی و اجتماعی شان دفاع و در مقابل اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی مبارزه و مقاومت کرده اند، اما این مقاومت و پایداری آنان از دی ماه ۹۶ به این سو شکل و شمایل دیگری گرفته است. حرکت متهورانه "دختران خیابان انقلاب" در دیماه ۹۶، آغاز فصل نوینی از مبارزه و مقابله علنی زنان در برابر "جنگ خیابانی" تحمیلی رژیم بر آنان بود. دختران جوانی که همگام با خیزش انقلابی جوانان و توده های معترض ایران در دی ماه ۹۶، یکی پس از دیگری "کشف حجاب" کردند، روسری را بر بلندای چوب بستند و با موهای رها شده در باد بر سکوهای بلند خیابان انقلاب تهران قامت کشیدند. قهرمانانی که زان پس، شهامت و دلیری و شجاعت آنان در مقابله با تحمیل حجاب اجباری در استعاره ای با عنوان "دختران خیابان انقلاب" گل داد. دختران و زنان جوانی که به تدریج حضور اعتراضی شان در حرکت های اجتماعی فزونی یافت و در روزهای قیام شکوهمند آبان ۹۸، در عرصه های مختلف به "میدان داری" و "میدان داری" اعتراضات خیابانی تبدیل شدند.

آنچه در دی ماه ۹۶، تحت عنوان "دختران خیابان انقلاب" شکل گرفت، آنچه در اعتراضات آبان ۹۸ به "میدان داری" زنان تعبیر شد و آنچه اکنون با حرکت کشف حجاب "دختران سردر دانشگاه تهران" در جامعه ظهور یافته است، جملگی مجموعه بهم پیوسته ای هستند که پوشش تحمیلی جمهوری اسلامی را به طور علنی به چالش گرفته اند. چالشی که برخاسته از شرایط عینی و انقلابی جامعه است. شرایطی پر تلاطم که از دی ماه ۹۶ با شکل گیری یک دوران انقلابی در جامعه، ظرفیت ایستادگی و تهاجم زنان در مقابله با جمهوری اسلامی را بالا برده است. در واقع، آنچه اکنون جمهوری اسلامی، سایت های امنیتی و همه طرفداران حجاب اسلامی را نگران کرده است، نه ایجاد "دوقطبی" و شروع "جنگ خیابانی" در جامعه، که همانا مبارزه علنی و آشکار زنان در مقابله با "جنگ خیابانی" ۴۲ ساله جمهوری اسلامی است، که تاکنون به صورت یکطرفه بر زنان ایران اعمال شده است. اکنون اما زنان و دختران ایران به تاسی از شرایط انقلابی موجود و در پرتو

ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد



جمهوری اسلامی نمی‌تواند با سلاح سرکوب اعتراضات معلمان شاغل و بازنشسته را درهم بشکند

روز پنجشنبه ۲۰ آبان به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معلمان شاغل و بازنشسته حداقل در ۲۰ استان و ۶۹ شهر از جمله: شیراز، کرمانشاه، تهران، کرج، الیگودرز، ممسنی، ایلام، اصفهان، گناوه، مریوان، اندیمشک، قم، ارومیه، نجف آباد، بابل، بندرعباس، رشت، همدان، مرودشت، سنندج، ملایر، بروجرد و ساری با خواست اجرای صحیح رتبه‌بندی معلمان و همسان‌سازی دائمی حقوق بازنشستگان با شعارهایی همچون "اجرای همسان‌سازی بدون حقه‌بازی"، "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده‌ام"، "با این همه هیاو حاصل وعده‌ها کو؟"، "وعده وعید کافی نیست" و "ما خالی" دست به اعتراض زدند.

در بخشی از قطعنامه شورای هماهنگی به مناسبت تجمع اعتراضی ۲۰ آبان آمده است: "آمده ایم تا فریاد اعتراضی خود را نسبت به شیوه تقسیم بودجه و اختصاص درصد بسیار اندکی از سهم بودجه‌ی سالانه‌ی کشوری به آموزش و پرورش با توجه به جمعیت ۱۳ میلیونی دانش آموزان، جمعیت یک میلیونی معلمان، خانواده‌ی آنان و اهمیتی که نظام تعلیم و تربیت در زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد، اعلام کنیم.

فرهنگیانی که به زیر پا گذاشتن قانون توسط حاکمیت اعتراض می‌کنند، با برخورداری شدید امنیتی مانند: زندان‌های طولانی مدت، ضرب و شتم در خیابان، اخراج، تبعید و محرومیت‌های گوناگون روبرو می‌شوند".

در این قطعنامه همچنین بر خواست‌های معلمان شاغل و بازنشسته همچون: "آزادی معلمان زندانی، آموزش رایگان و باکیفیت برای جوانان، اجرای نظام رتبه بندی ۸۰ درصد حقوق هیات علمی دانشگاهها، اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان، بستن پرونده‌های فعالان صنفی، مشکلات آموزشیاریان نهضت سواد آموزی، رسیدگی به مشکلات مربیان پیش دبستانی، پاداش پایان خدمت بازنشستگان، پرداخت حق التدریس معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی، انتخاب وزیر از میان فرهنگیان و واگذاری مدیریت صندوق ذخیره‌ی فرهنگیان به سهامداران آن صندوق"، تاکید شده است. جمهوری اسلامی اما به جای پاسخ به خواست‌های برحق معلمان، از سویی تلاش دارد با طرحی سر و دم بریده خواست رتبه‌بندی معلمان را از محتوا خالی کند و از سوی دیگر با تهدید و اعمال فشار مانع اعتراضات آن‌ها گردد.

بر اساس گزارشات منتشره نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از روزهای قبل تعدادی از معلمان فعال در تشکلهای صنفی را احضار و آن‌ها را تهدید کرده بودند. همچنین پس از تجمع اعتراضی معلمان در تهران، نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در ایستگاه متروی بهارستان به تعدادی از معلمان حمله کردند که بر اساس گزارش "شورای هماهنگی" مسعود فرهیخته از اعضای کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر و چند تن دیگر از معلمان بازداشت شده‌اند که تا لحظه‌ی انتشار این اطلاعیه خبری از محل نگهداری و یا آزادی آن‌ها منتشر نشده است.

افزایش تعداد معلمان در تجمع ۲۰ آبان و نیز افزایش شهرهایی که به تجمع اعتراضی در همین مدت کوتاه دو ماهه پیوستند، شاهد روشن این موضوع است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند با سلاح سرکوب بر مبارزات معلمان شاغل و بازنشسته فائق آید.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزات و خواست‌های معلمان شاغل و بازنشسته حمایت می‌کند. سازمان فدائیان (اقلیت) بر این باور است که اتحاد کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه ضرورتیست که امروز بیش از هر زمان دیگر خود را آشکار کرده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط دستگیرشدگان تجمعات اعتراضی ۲۰ آبان و کلیه زندانیان سیاسی است.

پیروز باد مبارزات معلمان شاغل و بازنشسته
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
نابود باد نظام سرمایه‌داری
زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۰ آبان ۱۴۰۰

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

از "دختران خیابان انقلاب" تا "دختران سردر دانشگاه تهران"

گسترش اعتراضات سراسری نیروی بیشتری گرفته اند تا با کشف حجاب و دفاع علنی از حق آزادی پوشش و برابری، "جنگ خیابانی" یکطرفه رژیم علیه زنان را به سمت رژیم برگردانند.

پوشیده نیست پافشاری جمهوری اسلامی بر حجاب اجباری که طی ۴۲ سال گذشته اجرای آن را با سرکوب و بگیر و ببند بر زنان تحمیل کرده است، بخشی از هویت ایدئولوژیک ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران است. از این رو، باید برای همگان و بویژه زنان ایران روشن شده باشد که دست یابی به حق آزادی و انتخاب پوشش برای زنان هرگز با بودن جمهوری اسلامی ممکن نیست و نخواهد بود. اینکه کشف حجاب دختران فارغ التحصیل دانشگاه تهران اینچنین خشم نیروهای امنیتی و مزدوران جمهوری اسلامی را برانگیخته است، صرفاً یک حرکت گذرا در مقابله با حجاب اسلامی تعبیر نخواهد شد. همه زنان و دخترانی که تا به امروز به یک مبارزه جدی و رادیکال علیه حجاب اجباری برخاسته اند، چه "دختران خیابان انقلاب" و چه بسیار "دختران سردر دانشگاه تهران"، و چه بسیار زنان و مردانی که طی سال‌های گذشته به طور واقعی خارج از چهارچوب‌های قوانین جمهوری اسلامی مدافع حق آزادی پوشش و برابری حقوق زنان بوده و هستند، باید بدانند، چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه خوشمان بیاید و چه نیاید، هرگونه اقدامی که در مسیر "کشف حجاب" باشد، عملاً به معنای مقابله با موجودیت و استمرار نظام ضد زن و سرکوبگر حاکم بر ایران تلقی خواهد شد. لذا، بر همه نیروهای مترقی و مدافع آزادی و برابری حقوق زنان لازم است تا با حمایت از هر حرکت مبارزاتی زنان، خاصه "کشف حجاب" در ایران پشتیبانی کرده و با اقدامات نظری و عملی به گسترش حرکت مبارزاتی آنان در جامعه یاری رسانیم.

روشن است، در وضعیت کنونی که شکاف میان توده‌های مردم و جمهوری اسلامی به صورت روزانه عمیق و عمیق‌تر می‌شود، در شرایطی که مشکلات درونی نظام مدام افزایش می‌یابند، در وضعیتی که بحران‌های سیاسی و اجتماعی به شکل بی‌سابقه‌ای ادامه حیات را بر رژیم دشوار کرده اند، در وضعیتی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده و انزوای آن در عرصه بین‌المللی از هر زمان دیگری بیشتر شده است و جامعه با یک دوران انقلابی پر تلاطم مواجه است، مجموعه وضعیت موجود، فرصت ممتنمی برای زنان ایران است که آنان در همراهی با دیگر جنبش‌های اجتماعی و روی آوری هر چه بیشتر زنان به "کشف حجاب"، گام‌های موثرتری در مقابله با "جنگ خیابانی" یکطرفه جمهوری اسلامی علیه زنان برداشته شود.



تلاش بی‌ثمر رژیم برای جلوگیری از وقوع انقلاب

از دی‌ماه ۹۶ به بعد، خصوصاً پس از قیام آبان ۹۸ حضور نظامیان در مراکز دولتی پررنگتر شده است. هم‌اکنون تعداد زیادی از وزرای کابینه رئیسی جلاّد و نمایندگان مجلس سابقه نظامی و فعالیت در سپاه پاسداران دارند. احمد وحیدی و

زیر کشور رئیسی از جمله فرماندهان سپاه بوده که در دستگاه امنیتی و نیروهای مسلح، مسئولیت‌های متعددی داشته است. وی اولین فرمانده نیروی قدس سپاه بوده و بیش از ۷ سال در این سمت و در فعالیت‌های برون‌مرزی و خرابکارانه رژیم فعالیت داشته است. وزیر کشور، "سردار شاه‌چراغی" که در چند استان فرماندهی سپاه و از سال ۹۷ به بعد فرماندهی سپاه "امام علی قم" را بر عهده داشته است، به‌عنوان استاندار قم منصوب نموده است. به‌کوشش رئیسی و وزیر کشور وی، در حال حاضر بسیاری از فرماندهان سپاه دردها استان کشور از پادگان‌ها به مراکز استان‌ها نقل‌مکان نموده و بر مسند استانداری‌ها تکیه زده‌اند.

پوشیده نیست که بحران اقتصادی و مالی رژیم سال‌به‌سال ژرف‌تر و عمیق‌تر شده است. بحران سیاسی سرتاپای حکومت را احاطه کرده است. تمام تلاش‌ها و سیاست‌های طبقه حاکم برای حل بحران و برون‌رفت از بن‌بست باشکست و ناکامی روبرو شده است. اعتراضات و خیزش‌های خیابانی از دی‌ماه ۹۶ به بعد آرام و قرار را از سران حکومت ربوده است. قیام آبان ۹۸ عزم توده‌های زحمتکش و تهیدست جامعه برای سرنگونی رژیم و برچیدن بساط نظم موجود را به نمایش گذاشت. این قیام به طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن نشان داد که کاسه صبر و تحمل مردم لبریز شده است. جوانان بیکار و کارگران و توده‌های زحمتکش و فقیر و تهیدست جامعه نه‌فقط این رژیم را نمی‌خواهند و از آن به‌شدت متنفرند، بلکه برای براندازی آن نیز وارد نبرد رودرروی غلنی و آشکار شده‌اند. گسترش اعتصابات کاری، تداوم تجمعات و اعتراضات خیابانی معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار زحمتکش مردم نیز نمودار دیگری از همین واقعیت غیرقابل کتمان است. از یکسو بن‌بست و بحران حکومتی چنان آشکار و برملا شده است که حتی جناح‌های حکومتی نیز آن را پنهان نمی‌کنند. از سوی دیگر ناتوانی رژیم برای حل بحران و برون‌رفت از بن‌بست به‌جایی رسیده است که جناح‌های حکومتی ضمن اذعان به آن، گاه حتی ضرورت به دست گرفتن قدرت توسط نظامیان را عنوان نموده‌اند و در این زمینه

تا آنجا پیش رفتند که در آستانه انتصاب رئیسی، نه‌فقط از ضرورت قرار گرفتن نظامیان در رأس قوه اجرایی سخن می‌گفتند، بلکه آن را امری "ناگزیر" و اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کردند. هرچقدر بحران سیاسی عمیق‌تر و احتمال وقوع برآمدهای توده‌ای و تکان‌های بزرگ اجتماعی زیادت‌تر و فروپاشی کامل نظام جدی‌تر و نزدیک‌تر شده، هشدارها و تکاپوی جناح‌های حاکم برای جلوگیری از این روند و نقل‌مکان نظامیان و سپاه از پشت‌صحنه به جلوصحنه نیز بیشتر شده است. طبقه حاکم و همه جناح‌های حکومتی و گروه‌بندی‌های بورژوازی این را فهمیده‌اند که تکان‌های بزرگ اجتماعی و انقلاب در پیش است. طوفان بزرگ و دگرگون‌کننده‌ای در راه است. بسیار فراتر از شبیح انقلاب، امروز صدای پای انقلاب در همه‌جا طنین‌انداز است. ارتجاع حاکم نیز صدای پای انقلاب را شنیده و برای مقابله با آن به تکاپو افتاده است.

پوشیده نیست که مراکز اولیه خیزش دی‌ماه و قیام آبان و تمام خیزش‌ها و اعتراضات گسترده توده‌ای در این ۴ سال، محلات و شهرها بوده که به‌سرعت از یک شهر و استان، به شهرها و استان‌های دیگر سرایت نموده و رژیم را در مقیاس سراسری به چالش کشیده است. بیهوده نیست که رژیم ارتجاعی و سرکوبگر حاکم، طرح‌های گوناگونی را برای اعمال کنترل بیشتر بر محلات و شهرها، از ایجاد گشت‌های گوناگون تا تشکیل گروه‌های ضربت در پایگاه‌های سپاه و بسیج و طرح‌هایی نظیر "طرح امنیت محله محور" را توسط سپاه پاسداران به مرحله اجرا درآورده است. تمام این طرح‌ها و ترفندها که اساساً معطوف به کنترل مردم و جوانان و رصد کردن هرگونه تحرک و شکل‌گیری اعتراض توده‌ای برای خفه کردن آن بوده اما نتوانسته سدی در برابر اعتراضات توده‌ای ایجاد کند. قیام و انقلابی که نظم موجود را ریشه‌کن و جارو خواهد کرد، طبقه حاکم و همه حافظان منافع

این طبقه را به وحشت انداخته است. از یاد نبریم که خامنه‌ای دیکتاتور و مرتجع بزرگ در نخستین روزهای قیام آبان ۹۸ فرمان کشتار اعتراض‌کنندگان را صادر کرد و چند روز پس‌از آن، فرماندهان سپاه و بسیج را به خاطر غفلت از وقوع قیام مورد شماتت قرارداد. وی به‌صراحت گفت سپاه و بسیج نباید اجازه می‌دادند کار به اینجا بکشد و قبل از گسترش اعتراضات و وقوع قیام، باید اعتراض‌کنندگان را قلع‌و‌قع می‌کردند. خامنه‌ای از سپاه خواست که در مقابل حوادث گوناگون و برای مقابله با مردم آماده باشند و غافلگیر نشوند.

اقدامات وزیر کشور ابراهیم رئیسی نوکر دست‌نشانده خامنه‌ای و تسلط سپاه بر استانداری‌ها و کنترل آن برای واکنش سریع در برابر هر اعتراض و تحرک توده‌ای نیز در همین راستاست. اهرم‌های سرکوب و مقابله با مردم در همه‌جا باید حاضر و آماده باشند. انقلاب بزرگ و خونینی در راه است و ضدانقلاب نیز برای سرکوب آن خود را تجهیز و آماده می‌کند. ارتجاع حاکم گویا متوجه نشده است که انقلاب، برخاسته از شرایط جامعه و تابع قانون‌مندی‌های خویش است. وقتی تضادها و بحران‌ها ژرف و تشدید می‌شوند، وقتی شرایط عینی و ذهنی، انقلاب را در دستور کار جامعه قرار می‌دهد، هیچ قدرتی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد. این سیل بنیان‌کن، مستقل از اراده طبقه حاکم جاری می‌شود، ارتجاع حاکم را از جا می‌کند و تمام تجهیزات و نهادهای سرکوب را چون خس و خاشاک به دور می‌اندازد و جامعه را از گند و کثافت جمهوری اسلامی پاک می‌کند. بنابراین اشغال استانداری‌ها توسط فرماندهان سپاه، ورود بیش‌ازپیش سپاه به صحنه سیاسی و میلیتاریسم بیشتر در همان حال که بیان‌گر وحشت طبقه حاکم از وقوع انقلاب است اما این ترفند نیز دردی از دردهای بی‌درمان جمهوری اسلامی دوا نمی‌کند. زمانی که غرش انقلاب فضای کشور را تسخیر کند، آنگاه که توده کارگر و زحمتکش به قیام و انقلاب رو آورد و تمام دستگاه بوروکراتیک نظامی را درهم بشکند، میلیتاریسم نیز با هر درجه از شدت و غلظت در برابر انقلاب به‌زانو درمی‌آید.



تلاش بی‌ثمر رژیم برای جلوگیری از وقوع انقلاب

خونین و قلع‌و‌قمع توده مردم و مهار جنبش‌های توده‌ای و اعتراضی داشته‌اند. هرکس این را می‌داند که حضور فرماندهان سپاه و نظامیان در این مراکز و پست‌ها نه‌فقط هیچ ربطی به مردم و تقاضای مردم نداشته و ندارد که اتفاقاً برای مقابله با همین مردم و خواست‌های مردم بوده است. مردم زحمتکشی که فریاد اعتراضشان از همه سو بلند است و برای تغییر وضع موجود و به زیر کشیدن رژیم حاکم بارها به اعتراض خیابانی سراسری دست‌زده‌اند و شورش و قیام برپا کرده‌اند. اکنون اما ابعاد حضور نظامیان و

فرماندهان سپاه در این مراکز و پست‌ها، بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از گذشته است. سازمان‌دهی جدید ارتجاع حاکم و گماردن فرماندهان سپاه در رأس استان‌ها برای این است که با اتخاذ تصمیم فوری و اقدام سریع، هرگونه شورش و اعتراض را درجا در محل خفه کند و پیش از آنکه اعتراض و قیام به سایر شهرها و استان‌ها تسری یابد و قیام سراسری تمامیت نظم موجود را به چالش جدی بکشد، با سرکوب قاطعانه آن را قلع‌و‌قمع کند.

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)

No 945 November 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .

FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical/ عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی